

Analyzing the Ideas of Gradual and Repulsive Descent of Surah Mubarakah An'am

**Abdul Rasoul
Hosseinizadeh** 

Associate Professor of interpretation and sciences of
Quran, Quranic Sciences and Education University,
Qom, Iran

**Seyyed Fazlollah
Mirzeinali** *

Ph.D. Student in Comparative Exegesis, University of
Quranic Sciences and Education, Qom, Iran

Abstract

One of the surahs that have been disputed about its revelation or gradual revelation is Surah An'am. In this research, the descriptive-analytic view of Surah An'am has been proved by a descriptive-analytical method based on solid reasons. Proof of the repulsive descent of this surah is possible in two ways; relying on the single context and internal coherence of the surah and quoting the narrations indicating the revelation of the surah. The view of the repulsive revelation of Surah An'am with the narrations of exceptions indicates that some verses of the Surah are civil and also the narrations causing the revelation which if it has the correct conditions indicate the gradual revelation of the Surah and the theory of incoherence of the Surah which has been proposed by Nold is in doubt. In this article, the pieces of evidence of repulsive and gradual descent are evaluated and the view of the repulsive descent of the surah is proved. Based on the findings of this study, it can be said that the narrative evidence of the gradual revelation of Surah An'am due to the weakness of the document and the text, and Noldeke's view that the surah is inconsistent due to lack of conviction do not prove the theory of gradual revelation of Surah An'am. On the contrary, the reasons for the repulsive descent of the surah are accepted due to its conditions of accuracy and strength, and therefore the view of the repulsive descent of the blessed surah of An'am is proved.


Keywords: Surah An'am, proofs of repulsive descent, evidences of gradual descent, coherence of surah, Noldeke

* Corresponding Author: syedmirzeinali@gmail.com


How to Cite: Hosseinizadeh, A. R., Mirzeinali, S. F. (2021). Analyzing the Ideas of Gradual and Repulsive Descent of Surah Mubarakah An'am, *Quarterly Journal of Seraje Monir*, 11(41), 1-28.

واکاوی انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام

دانشیار تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

عبدالرسول حسینی زاده 

دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

سید فضل‌الله میرزینلی *

چکیده

یکی از سوره‌هایی که در مورد نزول دفعی یا تدریجی آن اختلاف شده، سوره مبارکه انعام است. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی دیدگاه نزول دفعی سوره انعام بر پایه دلایل متقن به اثبات رسیده است. اثبات نزول دفعی این سوره از دو راه میسر است؛ تکیه بر سیاق واحد و انسجام درونی سوره و استناد به روایات دال بر نزول دفعی سوره. دیدگاه نزول دفعی سوره انعام با روایات مستثبات که بر مدنی بودن برخی از آیات سوره دلالت دارد و همچنین روایات سبب نزول که در صورت دارا بودن شرایط صحت نشان‌دهنده نزول تدریجی سوره بوده و نظریه عدم انسجام سوره که از سوی نولدکه در تاریخ قرآن مطرح شده مورد تشکیک واقع شده است. در این جستار ادله ناظر بر نزول دفعی و تدریجی مورد ارزیابی قرار گرفته و دیدگاه نزول دفعی سوره به اثبات می‌رسد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت شواهد روایی ناظر بر نزول تدریجی سوره انعام به دلیل ضعف سند و متن و دیدگاه نولدکه مبنی بر عدم انسجام سوره به دلیل عدم اتقان، نظریه نزول تدریجی سوره انعام را به اثبات نمی‌رسانند. در مقابل، ادله نزول دفعی سوره به جهت دارا بودن شرایط صحت و استحکام مورد پذیرش بوده و بنابراین دیدگاه نزول دفعی سوره مبارکه انعام به اثبات می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: سوره انعام، ادله نزول دفعی، ادله نزول تدریجی، انسجام سوره، نولدکه.

۱- بیان مسئله

قرآن کریم در طی بیست‌وسه سال و به‌صورت تدریجی بر پیامبر اکرم(ص) نازل گردید. (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص: ۳۲۱؛ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص: ۱۱۱) در مورد نزول دفعی و تدریجی سوره‌ها از طریق روایات سه نوع متفاوت وجود دارد.

الف. نزول دفعی سوره: یعنی همه آیات سوره در یک واحد نزول به ترتیب موجود در قرآن، بر پیامبر(ص) نازل شده است و هیچ‌یک از آیات آن با فاصله و یا به‌صورت جداگانه نازل نشده است. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص: ۳۵۴)

ب. نزول تدریجی و پیاپی سوره: یعنی آن سوره دارای چند واحد نزول باشد و آیات آن به‌صورت تدریجی نازل شوند، ولی چینش آیات در سوره منظم باشد. در روایات متعددی آمده است که نزول هر سوره با نزول بسمله آن آغاز می‌شد و نزول بسمله جدید نشانه‌ای بر پایان یافتن آیات سوره قبل و سرآغاز نزول آیات سوره بعدی بود. (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص: ۲۶۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص: ۱۹)

ج. نزول تدریجی و پراکنده آیات سوره: یعنی آیات یک سوره در چند مرحله ناپیاپی و لابلای نزول آیات سوره‌های دیگر نازل شده، به‌گونه‌ای که برخی از آیات سوره، بعد از نزول بسمله سوره بعدی نازل شده است. در این روش نزولی، پرونده نزول آیات یک سوره ممکن است تا پایان نزول قرآن همچنان باز بماند و هر از مدتی یک آیه از آن نازل شود و سپس به دستور پیامبر(ص) این آیه در جایگاه خود در سوره مربوطه قرار داده شود؛ مانند آنچه در روایات درباره برخی آیات سوره بقره آمده است که بخش عمده آیات آن در ماه رمضان سال دوم هجری هم‌زمان با جنگ بدر پایان یافته است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص: ۳۸) ولی بنا به روایات سبب نزول برخی از آیات آن در سال دهم هجرت نازل شده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص: ۶۷۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص: ۳۷۰)

برای اثبات نزول دفعی یا تدریجی هر سوره دو راه وجود دارد:

۱- بررسی شاهد درونی که مراد از آن هماهنگی و وجود انسجام میان آیات یک سوره می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص: ۳۳۱) از همین رو علامه طباطبائی

پیوستگی و انسجام آیات سوره آل عمران را دلیل نزول دفعی آن (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص: ۵) و نبود پیوستگی در برخی از فرازهای سوره مائده را گواه بر نزول تدریجی آن دانسته‌اند. (همان، ج ۹، صص: ۷۱، ۶۶، ۵) همچنین برخی پژوهشگران با استناد به همین مطلب نزول سوره‌های بقره، احزاب و ممتحنه را تدریجی دانسته‌اند. (رجبی، ۱۳۸۳، ص: ۱۰۳)

۲- کاوش در شواهد بیرونی شامل روایات و تاریخ؛ هنگام تعارض این دو طریق در مورد نزول تدریجی یا دفعی یک سوره، روایت دال بر نزول تدریجی مقدم است؛ زیرا روایت صریح در نزول تدریجی سوره است، ولی پیوند آیات، در نزول دفعی ظهور دارد؛ چون این امکان دارد فرازهای مختلف یک سوره در زمان‌های مختلف نازل شده باشد، ولی پیوند و انسجام بین آن‌ها وجود داشته باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص: ۳۳۱)

بر همین اساس دیدگاه نزول دفعی سوره انعام با دلایلی مانند: ۱- روایات و نصوص وارده در این زمینه که تصریح به نزول یکپارچه این سوره دارند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص: ۲۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص: ۴۲۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص: ۱۴۵) ۲- سیاق واحد سوره و انسجام و سازواری آن، تقویت می‌شود. از سویی دیگر این دیدگاه با چالش‌هایی روبه‌روست و نقدهایی بر آن وارد است. از جمله اینکه ۱- بر اساس یافته‌های برخی خاورشناسان مانند تئودور نولدکه^۱ (۱۹۳۰ م) این سوره انسجام و وحدت درونی ندارد. نولدکه در خصوص این سوره معتقد است که علیرغم وجود انسجام و نظم در اسلوب و مفردات سوره اما در چند جای آن (بعد از آیات: ۱۵۴/۱۴۰/۱۳۴/۱۱۷/۹۰/۷۳/۴۵) معنا به شدت تغییر می‌کند و نظم موجود به هم می‌ریزد. (نولدکه، ۲۰۰۴، ص: ۱۴۵) ۲- بنا بر گزارش‌های روایی موجود، با وجود اتفاق بر مکی بودن این سوره، آیاتی از این سوره استثناء شده [از ۱ تا ۹ آیه] که مدنی هستند. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص: ۱۳۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص: ۴۷۱؛ طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص: ۷۵) ۳- روایات سبب نزول در ذیل برخی آیات این سوره نیز حکایت از نزول تدریجی آن دارد. (واحدی، ۱۴۱۱، ص:

1. Theodor Noldeke

واکاوای انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام؛ حسینی‌زاده و میرزینلی | ۵

۲۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص: ۴۴۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۴، ص: ۱۳۷۸) بر این اساس در مورد نزول این سوره با دو دیدگاه روبه‌رو هستیم؛ نزول دفعی سوره و نزول تدریجی آن. حال سؤال اصلی این پژوهش این است که کدام‌یک از این دو دیدگاه به‌واقع نزدیک‌تر است؟ و ادله کدام دیدگاه از استحکام بیشتری برخوردار است؟ بنابراین فحص و بررسی این دو دسته از روایات متناقض و اثبات روایات متقن ضروری می‌نماید. از سویی دیگر پاسخ به دیدگاه‌های خاورشناسان در مورد قرآن نیز امری ضروری می‌باشد. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی دلایل دو دیدگاه به‌دقت مورد ارزیابی قرار گرفته و نهایتاً نظریه نزول دفعی سوره به اثبات می‌رسد.

۲- پیشینه بحث

در زمینه نزول دفعی و تدریجی سوره‌های قرآن در کتب علوم قرآنی مشهور مانند البرهان زرکشی و الاتقان سیوطی بخش‌هایی به این مبحث اختصاص یافته است و در التمهید آیت‌الله معرفت در مبحث نزول قرآن پیرامون نزول دفعی و تدریجی سور قرآن به تفصیل صحبت شده است و به‌صورت ویژه موضوع آیات استثنایی در سوره انعام نیز مورد توجه قرار گرفته است. (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص: ۱۷۱) همچنین مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی آیات استثنایی سوره انعام و اسراء» توسط خانم مینا شمخی و همکارانش در مجله حُسن در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. گرچه در این پژوهش آیات مدنی سوره‌های انعام و اسراء مورد بررسی قرار گرفته و بر مکی بودن آن‌ها استدلال شده است اما تحلیل‌ها و شواهد به‌صورت کامل و دقیق مورد کنکاش قرار نگرفته است. (شمخی، ۱۳۹۴، صص: ۳۸-۷۲) در زمینه سوره انعام می‌توان به دو مقاله با رویکرد دانشنامه‌ای اشاره نمود؛ مقاله سوره انعام توسط محمدعلی لسانی فشارکی در جلد دهم دایره المعارف بزرگ اسلامی^۱ و مقاله سوره انعام توسط نگارنده و محمد خامه‌گر در دایره‌المعارف قرآن کریم.^۲ با این حال تاکنون

۱. سایت: (www.cgie.org.ir)

۲. سایت: (quran.isca.ac.ir)

پژوهشی کامل و تفصیلی پیرامون بحث نزول دفعی یا تدریجی سوره انعام با رویکرد تحلیلی و ارزیابی ادله ناظر بر دو دیدگاه صورت پذیرفته است از این جهت پژوهش حاضر در نوع خود اثری مسبوق به سابقه نیست.

۳- شناخت نامه سوره مبارکه انعام

بر اساس گزارش‌های موجود برخی از سوره‌ها به شکل دفعی نازل شده‌اند که سوره مبارکه انعام با داشتن ۱۶۵ آیه یکی از این سوره‌هاست. این سوره از دیدگاه بسیاری از مفسران در مکه نازل شده و پنجاه و پنجمین سوره نازله بر اساس ترتیب نزول است. (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص: ۱۱۱؛ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص: ۱۳۶؛ ابن عاشور، ۱۹۹۷، ج ۶، ص: ۵) و از سوره سبع طوال می‌باشد. (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص: ۲۲۴) نام این سوره برگرفته از آیه ۱۳۶ آن؛ «وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا...» می‌باشد. این نام از زمان رسول خدا(ص) بر این سوره اطلاق شده است و نام دیگری برایش گزارش نشده است. (ابن عاشور، ۱۹۹۷، ج ۷، ص: ۱۲۱) با توجه به صدر و ذیل این سوره می‌توان بحث توحید و یگانگی خداوند و استدلال علیه مشرکین و مخالفین توحید و نبوت و معاد را به‌عنوان موضوع محوری این سوره قلمداد نمود. همچنان که این سوره با آیه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...» (انعام: ۱) آغاز و با آیه: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ...» (انعام: ۱۶۵) به اتمام می‌رسد. گفته شده است که این سوره پس از سال‌های نخستین رسالت پیامبر اکرم(ص) یعنی سال‌های پنجم یا ششم قبل از هجرت نازل شده است. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص: ۱۰۲۰)

۴- طرح دیدگاه‌های متفاوت در نزول سوره انعام

در خصوص نحوه نزول سوره انعام دو دسته روایات و به تبع آن دو دیدگاه کلی وجود دارد. در دیدگاه اول اعتقاد بر این است که این سوره تماماً و یکپارچه به صورت دفعی در مکه نازل شده است. دیدگاه دوم همانند دیدگاه اول هرچند مکی بودن سوره را پذیرفته است، ولی بر این باور است که برخی از آیات این سوره حداکثر تا نه آیه آن در مدینه

واکاوی انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام؛ حسینی‌زاده و میرزینلی | ۷

نازل شده است. در ادامه ضمن گزارش و بررسی دلایل دو دیدگاه، دیدگاه برگزیده را با ذکر دلایل بیان می‌کنیم.

۶- دلایل دیدگاه نزول دفعی سوره انعام

این دیدگاه بر دلایلی چند استوار است که در ادامه به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۶-۱- روایات ناظر بر نزول دفعی سوره انعام

یکی از مهم‌ترین دلایل نزول دفعی و یک‌باره سوره انعام تصریحات موجود در روایات فریقین است. این روایات در منابع فریقین از رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) و نیز برخی صحابه و تابعان گزارش شده است.

۱- ابن عمر از رَسُولُ اللَّهِ(ص) روایت کرده است: سوره انعام یکجا بر من نازل شد درحالی که هفتاد هزار تن از ملائکه آن را مشایعت می‌کردند (طبرانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص: ۱۴۵) روایاتی به همین مضمون از ابن مسعود و مجاهد نیز نقل شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص: ۲) نزول یک‌باره سوره انعام به روایت ابن عباس از رسول خدا(ص) نیز آمده است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص: ۲۱۳)

۲- ابی‌بن کعب از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده که: سوره انعام یکجا بر من نازل شد، درحالی که ۷۰ هزار فرشته با صدای حمد و تسبیح، سوره را همراهی می‌کردند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص: ۴۲۱)

۳- بیهقی از حضرت علی(ع) نقل کرده است که فرمود: «آیات قرآن پنج تا پنج تا نازل شد مگر سوره انعام که یکجا با هزار فرشته آمد». (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص: ۱۴۵)

۴- حاکم در مستدرکش از جابر نقل کرده است: آن زمان که سوره انعام بر پیامبر نازل شد آن حضرت تسبیح گفته و فرمودند: «ملائکه زیادی که افق را سد کرده بودند این سوره را مشایعت می‌نمودند» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص: ۲۱۳)

۵- همچنین سفیان ثوری از أسماء بنت یزید نقل کرده است که: «نزلت سورة الأنعام على النبي جملةً وأنا أخذة بزمام ناقة النبي، إن كادت من ثقلها لتكسر عظام الناقة». (همان‌جا)

البته روایت اخیر به نوعی در آن ابهام وجود دارد؛ زیرا اسماء بنت یزید از زنان انصار است و در مدینه مسلمان شده است و آمدن وی به مکه قبل از هجرت نیز گزارش نشده است. احتمالاً قرائت این سوره در سفر توسط پیامبر (ص) با نزول آن اشتباه گرفته شده باشد.

۶- در فضیلت قرائت این سوره ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت کرده است که: «إن سورة الأنعام نزلت جملة واحدة - و شیعها سبعون ألف ملك - حين أنزلت علی رسول الله فعظّموها و بجّلوها، فإن اسم الله تبارک و تعالی فیها فی سبعین موضعا و لو یعلم الناس بما فی قراءتها من الفضل ما ترکوها...». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص: ۳۵۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص: ۴۲۲) مانند همین روایت به نقل از ابی حمزه از امام صادق (ع) نقل شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص: ۶۲۲)

۷- از امام رضا (ع) نقل شده است که این سوره یکجا با مشایعت هفتاد هزار ملک در حالی که تسبیح گوی خداوند بودند نازل گردید. هر کس این سوره را بخواند ملائکه تا روز قیامت برایش تسبیح می گویند. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص: ۱۹۳)

۸- طبرسی نیز روایت نزول یک باره سوره انعام را به نقل از ابی بن کعب و عکرمة و قتاده آورده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص: ۴۲۲)

روایات مذکور که در منابع فریقین آمده از شهرت بالایی برخوردار است و بسیاری از عالمان فریقین آن‌ها را تلقی به قبول کرده‌اند یکی از دلایل مهم نزول دفعی سوره انعام است. آیت الله جوادی آملی با اشاره به روایات یادشده که از طریق فریقین گزارش شده است این روایات را معتبر می‌داند؛ چون از مجموع قرائن به صدور مضمون آن‌ها اطمینان به دست می‌آید. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص: ۳۴۷) و از تظافر آن‌ها به صدورشان از معصوم اطمینان پدید می‌آید. (همان جا، ص: ۳۳۱)

۶-۲- انسجام و پیوستگی سوره انعام

همان‌طور که اشاره شد، پیوستگی و انسجام مضامین یک سوره شاهدهی بر نزول دفعی آن است. این هماهنگی و انسجام آشکارا در سوره انعام مشهود است؛ زیرا این سوره از سیاق و

واکاوی انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام؛ حسینی‌زاده و میرزبنلی | ۹

غرض واحد برخوردار است و این مسئله همان‌طور که در ذیل بیان خواهد شد مورد تأکید بسیاری از مفسران است.

۱- غرض اصلی که این سوره در مقام ایفای آن است همان توحید به معنای اعم است و اینکه انسان خدایی دارد که رب‌العالمین است؛ از همین رو بیشتر آیاتش استدلال علیه مشرکین و مخالفان توحید و نبوت و معاد است. همچنین با دقت در سیاق آیات آن معلوم می‌گردد که پیکره‌ای واحد و به هم متصل است و در بین آن‌ها چیزی که دلالت کند بر اینکه آیات آن جدا جدا نازل شده به نظر نمی‌رسد و این دلیل بر این ادعاست که این سوره یکجا نازل شده است. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص: ۵)

۲- تکرار کلمه جلاله الله در هفتاد موضع از این سوره طبق روایت امام صادق (ع) تأییدی بر این مطلب است. (ن. ک: همین مقاله)

۳- برهان‌الدین بقاعی در تفسیر «نظم‌الدرر فی تناسب الایات و السور» غرض و هدف این سوره را استدلال بر توحید که در سوره‌های قبلی بر آن تأکید شده است، می‌داند؛ زیرا خداوند متصف به جمیع کمالات است و قادر بر بعث و اماته است و غرض این سوره همین می‌باشد. (بقاعی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص: ۵۷۸)

۴- سخن مفسر معاصر سعید حوی در «الاساس فی التفسیر» نیز می‌تواند مؤیدی بر این مطلب باشد. او با مبنا قرار دادن سوره بقره برای فهم انسجام دیگر سوره‌های قرآن در مورد سوره انعام معتقد است که تمام آیات این سوره در حقیقت تفصیل دو آیه شریفه: «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ* هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۹-۲۸) می‌باشد. (حوی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص: ۱۵۵۷) مضمون این دو آیه شریفه که نویسنده به آن‌ها اشاره کرده است توجه دادن انسان به بحث کلیدی توحید می‌باشد.

۵- به نقل از ابواسحاق اسفراینی آمده است که مدار و محور سوره انعام توحید حق تعالی است و در این سوره کل قواعد توحید وارد شده است از جمله اینکه در آن از دلایل ابطال الوهیت عیسی (ع) گفتگو شده است و همچنین در خصوص نعمت‌های خدای

سبحان بر خلق سخن گفته است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص: ۷۳)

۶- سید قطب سوره انعام را به سان رودخانه‌ای متحرک و خروشان که بدون هیچ سد و مانعی به پیش می‌تازد به تصویر کشیده است. از دیدگاه سید، سوره انعام مسئله عقیده را بیان می‌کند. مسئله الوهیت و عبودیت را مطرح می‌کند. این سوره سؤالات زیادی در ذهن انسان ایجاد می‌کند؛ از جمله اینکه خدا کیست؟ آفریننده هستی از نیستی چه کسی است؟ در آن سوی هستی چه اسراری وجود دارد؟ بندگان خدا چه کسانی هستند؟ چه کسی ایشان را ایجاد کرده است؟ و روزی می‌رساند و سؤالات دیگری از این قبیل که همگی در این جهت‌اند که خداوند راستین را به مردم بشناسند؛ بنابراین مسیری که این سوره از ابتدا تا انتها می‌پیماید بر یک مدار است و آن اینکه خدا خالق است، رازق است، مالک و صاحب قدرت است. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص: ۱۰۱۷)

۷- توجه به مطلع و مقطع این سوره نیز شاهی بر این مدعاست. (خامه گر، ۱۳۸۶، ص: ۳۰۳) سوره انعام با آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ...» (انعام: ۱) آغاز می‌گردد و با آیه «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (انعام: ۱۶۵) به اتمام می‌رسد. این آیات ناظر بر قدرت و حاکمیت خداوند متعال بر جهان امکان است که خود یکی از نشانه‌های توحید محسوب می‌شود.

۷- دلایل نزول تدریجی سوره انعام

برای دیدگاه نزول تدریجی سوره انعام نیز دلایل و مستندات بیان شده است که در ادامه بیان و تحلیل خواهد شد.

۷-۱- روایات دال بر مدنی بودن برخی از آیات سوره

از مهم‌ترین شواهد نزول تدریجی این سوره، روایاتی هست که در این زمینه وارد شده است. بر اساس این روایات سه تا نه آیه از این سوره در مدینه نازل شده است. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص: ۱۵۳) در ادامه به این نقل‌ها اشاره می‌شود.

واکاوی انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام؛ حسینی‌زاده و میرزینلی | ۱۱

- ۱- یزید بن رومان به دون آنکه به آیه‌ای خاص اشاره کند، گفته است که بعضی از آیات این سوره مکی و بعضی مدنی است. (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص: ۷۵)
- ۲- شهر بن حوشب می‌گوید: تمام این سوره در مکه نازل شده غیر از دو آیه: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ» (انعام: ۱۵۱) و آیه بعد از آن. (همان جا)
- ۳- از ابن عباس نقل شده است که این سوره مکی است غیر از شش آیه آن که مدنی است و آن آیات عبارت‌اند از: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ» (انعام: ۱۵۱) و دو آیه بعد از آن و آیه «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (انعام: ۹۱) و آیه بعد از آن و آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ...» (انعام: ۹۳) این آیات شش‌گانه طبق این نقل از ابن عباس در مدینه نازل شده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص: ۴۲۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص: ۱۳۱)
- ۴- ابن منذر از ابی جحیفه نقل کرده است که سوره انعام تماماً در مکه با همراهی هفتاد هزار فرشته نازل شده است غیر از آیه «وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ...» (انعام: ۱۱۱) که در مدینه نازل شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص: ۳)
- ۵- همچنین از کلبی و سفیان نقل شده است که دو آیه از این سوره در مدینه و در شأن مردی از یهود نازل شده و او کسی است که قرآن از او نقل می‌کند که گفته است: «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ...» (انعام: ۹۱) (همان جا)
- ۶- فریابی و اسحاق بن راهویه در مسندش و عبد بن حمید از شهر بن حوشب گفته‌اند دو آیه‌ای که در مدینه نازل شده آیات: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّكُمْ عَلَيْكُمْ...» (انعام: ۱۵۱) و آیه بعد از آن هستند. (همان جا)
- ۷- زمخشری و فخر رازی در تفسیرشان ظاهراً با جمع‌بندی نقل‌های مختلف ۹ آیه از آیات این سوره را مدنی معرفی کرده‌اند. آیات: ۲۰ و ۲۳ و ۹۱ و ۹۳ و ۱۱۴ و ۱۴۱ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص: ۳؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص: ۴۷۱)
- ۸- کلبی از ابی صالح از ابن عباس نقل می‌کند که سوره انعام در مکه نازل شده است غیر از آیه: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ...» تا سه آیه بعد و آیه: «قُلْ تَعَالَوْا...» (انعام: ۱۵۱) تا عبارت: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام: ۱۵۳) (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص: ۱۰۷)

از مجموع روایاتی که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که برخی از آیات سوره انعام در مدینه نازل شده است. با تکیه به این گزارش‌ها طبعاً دیدگاه نزول دفعی این سوره در مکه مورد تردید واقع می‌شود.

۷-۲- روایات سبب نزول

یکی از کارکردهای مهم روایات سبب نزول تشخیص آیات مکی از مدنی است. (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص: ۲۴۱) وجود این روایات در صورت برخورداری از معیارهای صحت در علم حدیث ثابت می‌کند که این سوره نمی‌تواند دفعتاً نازل شده باشد. واحدی ۱۷ روایت به‌عنوان سبب نزول برای ۱۴ آیه از این سوره نقل کرده است که تنها سه روایت آن مربوط به جریاناتی در دوران مدینه است و بقیه مربوط به دوران مکه است. (واحدی، ۱۴۱۱، ص: ۲۱۶) به‌جز روایات نقل‌شده توسط واحدی برخی دیگر از منابع نیز روایاتی در سبب نزول برخی آیات سوره گزارش کرده‌اند که مربوط به دوران مدینه است. به هر روی این روایات را با حذف مکررات در دو دسته کلی گزارش می‌کنیم.

۷-۲-۱- روایات سبب نزول (مکی)

۱- کلبی می‌گوید آیه «وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ» (انعام: ۷) درباره مشرکین مکه نازل شده است که گفتند: ای محمد به تو ایمان نیاریم تا نوشته‌ای از سوی خدا با چهار فرشته گواه نیاوری که آن از سوی خدا است و تو فرستاده خدایی. (همان‌جا)

۲- کلبی از ابن عباس درباره سبب نزول آیه «وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...» (انعام: ۱۳) روایت کرده است که کفار مکه به پیامبر (ص) گفتند که ما می‌دانیم تو به جهت نیازمندی، این دعوت را برپا کرده‌ای. پس ما هرکدام سهمی از مال خودمان به تو می‌دهیم به‌طوری که ثروتمندترین مرد مکه شوی تا از سخن خویش برگردی. این آیه در جواب آن‌ها نازل شد. (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص: ۱۳)

۳- به گفته ابن عباس ابوسفیان و ولید بن مغیره و نصر بن حارث و عتبه و شیبه و امیه بن خلف و ابی بن خلف از پیغمبر (ص) آیاتی از قرآن را شنیدند و همگی از نصر پرسیدند

واکاوی انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام؛ حسینی‌زاده و میرزینلی | ۱۳

محمد چه می‌گوید؟ نضر گفت: قسم به صاحب کعبه من چیزی نمی‌فهمم، لب‌هایش تکان می‌خورد و چیزی زمزمه می‌کند این همان افسانه‌های پیشینیان است که من برای شما حکایت می‌کنم. آیه شریفه «وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ...» (انعام: ۲۵) در پاسخ وی نازل شد. (طبرانی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص: ۴۴۲)

گفتنی است بر فرض روایات مذکور از نظر سند درست باشد و داستان‌های یادشده سبب نزول حقیقی باشد هیچ تلازمی بین این روایات و عدم نزول دفعی این سوره نیست؛ زیرا این احتمال وجود دارد که پس از تحقق همه این موارد در خارج سوره یکجا نازل شده باشد. بنابراین، این روایات نمی‌تواند دلیلی بر نزول تدریجی سوره انعام باشد.

۷-۲-۲- روایات سبب نزول (مدنی)

۱- سفیان می‌گوید: آیه «ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ...» (انعام: ۹۱) در شان مالک بن صیف یهودی نازل شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص: ۳) در مورد جریان مالک بن صیف از سعید بن جبیر نقل شده است که او نزد پیامبر (ص) آمده و با ایشان محاجه می‌کرد. حضرت از او پرسید تو را به آنکه تورات را بر موسی فرو فرستاد، آیا در تورات نخوانده‌ای که خدا عالم دینی چاق را دوست ندارد! مالک از این سخن عصبانی شد و پاسخ داد: خدا بر بشری چیزی نازل نکرده. یهودیانی که همراهش بودند نیز گفتند: وای بر تو آیا بر موسی هم چیزی نازل نکرده؟! که آیه فوق در جواب آن‌ها نازل گردید. (واحدی، ۱۴۱۱، ص: ۲۲۲)

۲- ابن عباس و قتاده گفته‌اند آیه «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (انعام: ۹۱) در شان مالک بن صیف و کعب ابن اشرف یهودی نازل شده و آیه «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ» (انعام: ۱۴۱) به نقلی در مورد ثابت بن قیس بن شماس انصاری و به گزارش ابن جریر در مورد معاذ بن جبل نازل شده است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص: ۳۸۲)

۳- در خصوص سبب نزول آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ...» (انعام: ۹۳) گفته شده که قسمت اول آیه درباره مسیلمه کذاب که ادعای نبوت می‌کرد نازل شده. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص: ۲۷۰) و ادامه آیه: «وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

...» (انعام: ۹۳) طبق روایت ابن عباس در شأن عبدالله بن سعد بن ابی سرح نازل شده است که اظهار مسلمانی می‌کرد و ادعای نزول وحی بر خود را داشته است. زمانی که آیات قرآن را برای پیامبر می‌نوشت؛ اگر پیامبر می‌فرمود: «سمیعا علیما» او می‌نوشت: «علیما حکیما» و زمانی که می‌فرمود: «علیما حکیما» او «سمیعا علیما» می‌نوشت. از آن پس او گفت: اگر بر محمد وحی نازل می‌شود بر من نیز نازل می‌شود. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص: ۲۱۰؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۷، ص: ۱۸۱)

۴- یهود با پیامبر مخاصمه کردند و گفتند ما آنچه را خودمان بکشیم می‌خوریم ولی آنچه را خداوند بکشد نمی‌خوریم. این جریان در شان نزول آیه «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ» (انعام: ۱۲۱) وارد شده است. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۴، ص: ۱۳۷۸) درباره آیه ۱۲۱ انعام سبب نزول دیگری نیز واحدی نقل کرده است که این جریان را از مشرکان مکه گزارش کرده است. (واحدی، ۱۴۱۱، ص: ۲۲۶)

۵- در مورد سبب نزول آیه ۹۱ دو قول وجود دارد؛ قول اول و مشهور این است که این آیه با توجه به جریانی که در مورد مالک بن صیف نقل شده در مورد یهود نازل شده و این علامت مدنی بودن آیه است و قول دوم این است که آیه در شأن مشرکان مکه نازل شده که این قول نیز طرفدارانی دارد. (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص: ۶۰)

۸- ارزیابی دو دیدگاه

ارزیابی این دو دیدگاه در چند گام انجام می‌گیرد که در نهایت ما را در رسیدن به دیدگاه منتخب یاری می‌نماید. این مراحل به‌قرار ذیل است:

۸-۱- ارزیابی روایات ناظر بر نزول دفعی یا تدریجی

روایات ناظر بر نزول دفعی سوره در مکه نسبت به روایات ناظر بر نزول برخی از آیات سوره در مدینه از قوت بالاتری برخوردار هستند؛ این ادعا مبتنی بر دلایل زیر است.

۱- نقل روایات ناظر بر نزول دفعی در میان فریقین به حد مستفیض می‌باشد.

(معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص: ۱۷۱) و مستفیض همان‌طور که اهل فن گفته‌اند صورتی از حدیث

واکاوی انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام؛ حسینی‌زاده و میرزینلی | ۱۵

است که راویان آن در هر طبقه زیاد باشند، به نقلی حداقل سه نفر. (غفاری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص: ۲۵) رشیدرضا احتمال اجتهادی بودن یا ساختگی بودن روایات یادشده، یا اشتباه راوی در آن‌ها را به علت فراوانی آن‌ها منتفی می‌داند و این روایات را داری اصل صحیح معرفی می‌کند. (رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۷، ص: ۲۸۵)

۲- هیچ روایتی به‌طور صریح نزول دفعی سوره را نفی نکرده است و آنچه در برخی نقل‌ها آمده است نزول برخی آیات سوره در مدینه است که شواهد زیادی بر اجتهادی بودن آن‌ها وجود دارد. افزون بر این وجود آیات مدنی در سوره‌های مکی و عکس آن برخلاف اصل است و تا روایت صحیحی آن را تأیید نکند پذیرفتنی نیست.

۳- بخشی از روایات ناظر بر نزول دفعی از زبان معصومان(ع) نقل شده است. برخلاف روایات مستثنیات و ناظر بر نزول تدریجی که حتی یک مورد آن‌ها از معصومان(ع) نقل نشده است؛ و این یکی از ملاک‌های برتری روایات ناظر بر نزول دفعی سوره است.

۴- بخشی از روایات دال بر نزول برخی از آیات سوره در مدینه از تابعان نقل شده. یزید بن رومان متوفی ۱۳۰ هجری از تابعان بوده (زرکلی، ۲۰۰۲، ج ۸، ص: ۱۸۲) و همچنین شهر بن حوشب هم از کبار تابعان است. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص: ۳۷۲) در مورد سفیان هم اگر منظور سفیان ثوری متوفی ۱۶۱ هجری باشد و یا سفیان بن عیینه متوفی ۱۹۸ هجری باشد به‌هرحال این اشخاص هم جزء تابعان‌اند. (زرکلی، ۲۰۰۲، ج ۳، ص: ۱۰۴) به نظر می‌رسد این افراد اجتهادات خود را بیان کرده‌اند و این چنین نیست که مضمون این نقل‌ها به‌طور مستند از پیامبر(ص) یا حتی صحابه به آن‌ها رسیده باشد.

۵- اقوال و روایات دیدگاه دوم مستند به نقل پیامبر نیست. روایت ابن عباس و ابی جحیفه حدیث موقوف است و هرچند اهل سنت موقوفات صحابه را به حکم مرفوع می‌دانند، ولی این در صورتی است که سند روایت از جهات دیگر مشکل نداشته باشد و نقل‌های یادشده از نظر سندی مشکل دارد و مرسل است. (سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص: ۲۱۴) افزون بر اینکه که ابن عباس و ابی جحیفه هر دو از صغار صحابه‌اند و زمان نزول سوره انعام، با توجه به خردسالی، خود شاهد نبوده‌اند؛ بنابراین حتی از دیدگاه اهل سنت، این

روایات قابل اعتماد نیستند؛ اما بقیه روایات افزون بر مشکل سندی از تابعان و بزرگان بعدی نقل شده است. این نوع از روایات در میان محدثان و اندیشمندان اهل سنت نیز از اعتبار کافی برخوردار نیست که اصطلاحاً حدیث مقطوع می‌باشند. حتی جمع زیادی از علمای اهل سنت حدیث مقطوع که بیانگر گفتار تابعان هست را ضعیف می‌دانند. (ابن جماعه ۱۴۰۶، ج ۱، ص: ۴۲) این مطلب در میان علما و اندیشمندان شیعه به شکل دیگری مطرح است. از نظر ایشان اقوال صحابه اگر مستند به معصوم (ع) نباشد حجیت ندارد. دیدگاه‌های اجتهادی صحابه، به دلیل آنکه از اجتهاد و استنباط آنان برخاسته، حتی در فرض احراز عدالت و وثاقت، اعتبار مطلق ندارد؛ زیرا احتمال خطا در استنباط آنان وجود دارد؛ اما آرای تفسیری تابعان نسبت به فضای نزول و خصوصیات تاریخی و جغرافیایی موضوع آیات در زمان نزول نیز از مصادیق اخبار تاریخی مرسل است و فاقد اعتبار است. (بابایی، ۱۳۸۵، ص: ۲۲۹)

۶- سید قطب تصریح می‌کند که روایات دال بر نزول دفعی سوره انعام در مکه نسبت به روایاتی که نزول برخی از آیات این سوره را در مدینه معرفی کرده‌اند از اعتبار بیشتری برخوردارند. افزون بر اینکه به نظر وی تحلیل موضوعی سوره نیز مؤید مکی بودن همه آیات سوره است؛ و ساختار خود سوره نیز به گونه‌ای است که روایت‌ها نزول دفعی سوره در مکه را تصدیق می‌کند و یا لاقلاً ترجیح می‌دهد. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص: ۱۰۲۲) رشیدرضا با اشاره به روایاتی که آیاتی از سوره را استثناء و نزول آن‌ها را در مدینه می‌داند تصریح می‌کند که در این روایات نصّ صحیح صریح، که دلالت بر استثناء داشته باشد نیست و روایات نزول دفعی سوره به سبب موافق اصل بودن برتری دارد؛ چون اصل این است که اگر سوره‌ای در مکه نازل شده است همه آیات آن مکی باشد؛ مگر آنکه دلیل محکمی بر خلافش باشد. (رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۷، ص: ۲۸۵)

۷- حاکم بعد از نقل روایت جابر در مستدرک که ظهور در نزول دفعی سوره در مکه دارد می‌گوید: این حدیث مطابق شرط مسلم صحیح است. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۲، ص: ۳۴۴)

واکاوی انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام؛ حسینی‌زاده و میرزینلی | ۱۷

۸- اختلاف زیادی میان روایات و گزارش‌های موجود مبنی بر نزول برخی از آیات این سوره در مدینه وجود دارد که شرح آن در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱. ارزیابی روایات ناظر بر نزول دفعی یا تدریجی

شماره آیات	تعداد آیات مدنی	طبقه راوی	راوی
میهم بودن تعداد آیات مدنی	بعضی از آیات	تابعان	یزید بن رومان
آیات: ۱۵۱ / ۱۵۲	۲ آیه	کبار تابعان	شهر بن حوشب
آیات: ۱۵۱/۱۵۲/۱۵۳ و آیات: ۹۱/۹۲/۹۳	۶ آیه	صغار صحابه	ابن عباس
آیه: ۱۱۱	۱ آیه	صحابه	ابی جحیفه
آیه: ۹۱ و میهم بودن آیه دومی	۲ آیه	تابعان	کلبی

این تفاوت نقل‌ها قرینه‌ای است بر اجتهادی بودن آن‌ها. افزون بر این، سیاق آیاتی که به‌عنوان استثناء و آیات مدنی در این سوره مطرح شده‌اند و نیز انسجام آن‌ها با آیات قبل و بعد از آن‌ها سبب شک و تردید در این روایات می‌شود و مکی بودن همه آیات سوره و نزول هم‌زمان و دفعی آن را برتر نشان می‌دهد. (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۴، ص: ۶۳)

۸-۲- ارزیابی روایات ناظر بر سبب نزول

در خصوص اهمیت و جایگاه اخبار سبب نزول و همچنین اعتبار و عدم اعتبار آن‌ها بحث‌های زیادی در میان اندیشمندان شیعه و اهل سنت وجود دارد؛ اما از آنجایی که تنها راه دستیابی به اسباب نزول آیات و سوره‌ها از طریق روایت است و این بحث کاملاً متکی به نقل است، بنابراین باید در پذیرش یا ردّ روایات دقت نظر کافی اعمال شود. از همین روی گفته‌شده بسیاری از روایات شأن نزول از درجه صحت و اعتبار مناسب برخوردار نیستند. علامه طباطبائی بسیاری از روایاتشان نزول را غیر مسند و ضعیف می‌داند و معتقد است گزارش‌های اسباب نزول بیشتر نظری و اجتهادی‌اند و متکی بر مشاهده و ضبط نیستند. همچنین ایشان در تضعیف این روایات به وجود تناقض و تهافت در میان آن‌ها استدلال کرده است. از دیدگاه ایشان شیوه اعتبار سنجی روایات سبب نزول در صورت عدم تواتر یا قطعی‌الصدور بودن همان شیوه برگرفته از روایت نبوی است که روایات را بر آیات قرآن

عرضه کنیم و در صورت سازگاری به آن‌ها اعتماد نماییم. (طباطبائی، ۱۳۵۳، ص: ۱۷۱)
همچنین آیت‌الله معرفت برای اعتبار روایات سبب نزول سه شرط بیان کرده‌اند:
الف) سند روایت، مخصوصاً شخص آخری که روایت به او منتهی می‌شود باید مورد اطمینان باشد. یعنی در وهله اول معصوم یا صحابی مورد اطمینان باشد.
ب) سند روایت باید متواتر یا مستفیض باشد.
ج) روایات سبب نزول باید به‌طور قطعی اشکال آیه را حل و ابهام آن را رفع کند.
(معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص: ۲۴۵)

با توجه به ملاکهای فوق می‌توان روایات سبب نزول سوره انعام را نقد و بررسی کرد.
به‌عنوان مثال؛ آنچه از سعید بن جبیر ذیل آیه: «ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ...» (انعام: ۹۱)
در مورد شخصی به نام مالک بن صیف یهودی و محاجه او با پیامبر و رفتار پیامبر با او نقل
شده است با آیات دیگر قرآن و روایات کاملاً در تناقض است. اینکه پیامبر اکرم (ص) به
شخصی در حین گفتگو جسارتی بنماید با اخلاق حسنه آن حضرت و رحمت للعالمین
بودنش در تضاد است. (همان‌جا، ج ۱، ص: ۱۷۳)

برخی از روایاتشان نزول حاکی از نزول آیات ۹۱ و ۱۴۱ در مدینه دارد. به جهت
اینکه فضای مطرح‌شده در این روایات مربوط به احتجاج پیامبر با یهودیان است و این
احتجاج‌ها غالباً در مدینه رخ داده است. در این خصوص باید گفت که دعوت پیامبر (ص)
مخصوص مشرکان نبوده است بلکه دعوتی است جهانی و متوجه جمیع ملت‌های عالم
است و قرآن کریم ذکری برای همه عالمیان است. همچنین یهودیان و مشرکان مکه با هم
همسایه و پیوسته با یکدیگر در تماس بودند. از طرف دیگر در قرآن کریم آیاتی است که
خطاب به اهل کتاب است درحالی که در سوره‌های مکی قرار گرفته‌اند؛ مانند آیه «وَلَا
تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ» (عنکبوت: ۴۶) و آیه «وَعَلَى
الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
يُظْلِمُونَ» (نحل: ۱۱۸) و آیات زیادی از سوره اعراف که بیانگر بیدادگری‌های یهود بوده،
درحالی که سوره اعراف از سور مکی است. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص: ۲۷۲)

همچنین سبب نزول نقل شده در خصوص ادعای نزول وحی توسط عبدالله بن سعد بن ابی سرح ذیل آیه: «وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ...» (انعام: ۹۳) به چند دلیل باطل است. اول اینکه در هیچ کدام از سوره‌های مکی عبارات «سمیعا علیما» و «علیما حکیما» نیامده مگر در سوره لقمان که بعد از سوره انعام نازل شده است. دوم اینکه بر اساس اقوال موجود عبدالله بن سعد بعد از آنکه از اسلام برگشت به عیب‌جویی از قرآن پرداخت و بعید نیست سخنانی را که در این روایات از او نقل کرده‌اند دروغ و افترا باشد؛ زیرا در سوره‌هایی که در زمان نویسندگی‌اش نازل شده عباراتی که حاکی از تصرف وی در آن‌ها باشد وجود ندارد. (رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۷، ص: ۵۲۰) سوم اینکه این روایات با آیاتی نظیر: «إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹) و آیه: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ» (قیامت: ۱۷) که نشان از حفظ و صیانت قرآن دارد نیز مخالف است؛ و نهایتاً اینکه در این روایات آمده است که عبدالله بن ابی سرح ادعا کرده بود که: «أنا انزل مثل ما انزل الله» ظاهر این جمله با آنچه قرآن از او نقل کرده است منافات دارد؛ زیرا تعبیر قرآن: «سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» می‌باشد. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص: ۳۰۶)

در مجموع روایات سبب نزول سوره انعام همانند بیشتر روایات سبب نزول، خبر واحد و ضعیف‌اند؛ و اشکالاتی که از حیث سند در بحث صحت سنجی روایات ناظر بر نزول برخی از آیات این سوره در مدینه بیان گردید به این روایات نیز وارد است؛ زیرا این روایات نیز از سوی صحابه و تابعان نقل شده است. افزون بر اینکه روایات یاد شده سبب نزول حقیقی برای آیات نیستند و تطبیق نزول‌اند. رشید رضا با اشاره به روایات مذکور تأکید دارد که برخی آیات قرآن بر حوادث قبل یا بعد از نزول آن‌ها برای استشهاد یا احتجاج تطبیق داده شده‌اند و برخی از صحابه که پیش‌تر آیه را نشنیده بودند گمان کرده‌اند آیه در این واقعه نازل شده است. (رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۷، ص: ۲۸۷)

۸-۳- ارزیابی دیدگاه نولدکه در عدم انسجام سوره

علیرغم تأکید مفسران بر انسجام و وحدت درونی سوره انعام در این خصوص دیدگاه‌های مخالف نیز وجود دارد که دیدگاه خاورشناس نولدکه (۱۹۳۰ م) را می‌توان به‌عنوان شاهد

این مدعا ذکر نمود. او در مورد سوره انعام معتقد است وحدت و انسجام آن در چند جا به علت قطع معنا به هم می‌ریزد. به‌زعم او این اتفاق بعد از آیات: ۴۵ - ۷۳ - ۹۰ - ۱۱۷ - ۱۳۴ - ۱۴۰ - ۱۵۴ افتاده است. (ن.ک: نولدکه، ۲۰۰۴، ص: ۱۴۵) با بررسی دیدگاه‌های نولدکه در خصوص انسجام سوره‌ها باید گفت که معیارهای او در پذیرش انسجام سوره‌ها به دو شکل ساختاری و محتوایی تقسیم می‌شود. نولدکه سوره انعام را از منظر شکلی و ساختاری یا به تعبیر خودش اسلوب و مفردات منسجم می‌داند، اما بر این باور است که این سوره از منظر محتوایی یا مضمونی در چند جای آن وحدت معنا به هم می‌ریزد که این موضوع نیز با تکیه بر مقوله سیاق قابل نقد و بررسی است. از سویی دیگر می‌توان گفت نقدهای نولدکه در خصوص انسجام سوره‌ها مانند سایر خاورشناسان به مسائل متعددی از جمله انس ذهن آن‌ها به نظم تاریخی موجود در کتاب مقدس و دشواری فهم متن قرآن و مراجعه به ترجمه قرآن برمی‌گردد که در جای خود مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. (نیل ساز، ۱۳۹۷، ص: ۱۸۳)

سوره انعام در تقسیم‌بندی نولدکه از سوره‌های قرآن جزء دوره سوم یا پایانی مکی می‌باشد که ویژگی عمومی این سوره برخورداری از اطناب، پراکندگی و شکنندگی در سخن و تکرارهای بی‌سرانجام و براهین غیرواضح بوده که همگی ملال‌انگیزی را در پی داشته است. (نولدکه، ۲۰۰۴، ص: ۱۲۸) گفتار نولدکه در خصوص عدم انسجام مضمونی سوره انعام با تکیه بر اصل سیاق که مورد تأکید مفسران فریقین هست مورد نقد است که در ادامه به چند مورد از مواردی که از دیدگاه نولدکه در سوره انعام قطع معنا حاصل شده با تکیه بر قاعده سیاق پاسخ داده می‌شود.

۸-۳-۱- آیه ۴۶

از دیدگاه نولدکه ارتباط بین آیه ۴۶ با آیات قبلی وجود ندارد و انسجام وجود ندارد؛ اما در پاسخ باید گفت مجموع آیات ۳۷ تا ۵۵ این سوره در یک سیاق هستند که در مورد ادله توحید و معجزه نبوت است و به‌صورت ویژه آیات ۴۲ «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ» تا آیه ۴۶ «فَلِأَرَأَيْتُمْ إِن أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَارَكُمْ

واکاوی انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام؛ حسینی‌زاده و میرزینلی | ۲۱

وَ خَتَمَ عَلٰی قُلُوبِكُمْ...» در خصوص ذکر رفتار خدای تعالی با امت‌های قبل از پیامبر اسلام (ص) و بیان عکس‌العمل آن‌ها در مواجهه با معجزات انبیاء است. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص: ۸۹) از سویی دیگر در آیه ۴۵ می‌فرماید: «فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا...» که عبارت است از تهدید به اتیان عذاب و این مطلب در آیه ۴۶ با ضمیر خطاب در فعل: «أَرَأَيْتُمْ» تأکید شده است. (اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص: ۵۱۶)

۸-۳-۲- آیه ۷۴

نولدکه بین آیه ۷۴ با آیات قبل نیز قائل به وحدت معنا نیست. در پاسخ به این ادعا نیز باید گفت آیات ۵۶ تا ۷۳ در یک سیاق قرار دارند و مضمون آن‌ها عبارت از احتجاج علیه مشرکین بر مسئله توحید و معارف مربوط به آن از نبوت و معاد است. (طباطبائی، ج ۷، ص: ۱۱۳) و آیات ۷۴ الی ۸۳ نیز در حقیقت بیان احتجاج‌های ابراهیم (ع) علیه مشرکین و دعوت به توحید است. (همان‌جا، ج ۷، ص: ۱۵۵) و در مورد ارتباط این آیات با آیات قبلی گفته می‌شود، آیات قبلی در مقام احتجاج بر اهل کفر و بیان موعظه برای آن‌هاست و در فراز بعدی به جریان گفتگوی حضرت ابراهیم (ع) با آزر در بحث عبادت بت‌ها می‌پردازد. (حوی، ج ۳، ص: ۱۶۹۰) همچنین میان آیه ۷۴ و ۷۱ تناسب معنایی برقرار است؛ زیرا آیه ۷۱ «قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَ لَا يَضُرُّنَا...» در مورد پرستش غیر خدا است که نه نفع می‌دهد و نه ضرر می‌رساند و این مطلب با احتجاج حضرت ابراهیم (ع) با آزر در آیه ۷۴ «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً...» تناسب دارد. (اندلسی، ج ۴، ص: ۵۶۱)

۸-۳-۳- آیه ۱۱۸

یکی دیگر از فرازهایی که به باور نولدکه با آیات پیشین بی‌ارتباط بوده و سبب قطع انسجام سوره گردیده است آیه ۱۱۸ سوره است که می‌فرماید: «فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ» اما توجه به سیاق آیات پیشین این گفتار را رد می‌نماید. از دیدگاه علامه طباطبائی بین آیات ۱۱۴؛ «أَفَغَيْرَ اللَّهِ ابْتَغِي حَكَمًا...» تا ۱۲۱؛ «وَ لَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ...» که مجموعاً هشت آیه هستند اتصال معنا برقرار می‌باشد. زیرا معنای جامع این

آیات عبارت است از اینکه نباید جز خدا را حَکَم گرفت و اینکه فرمان‌برداری از بیشتر مردم گمراه‌کننده است زیرا آنان پیرو ظن و تخمین هستند؛ و درنهایت در آیه ۱۱۸ که با حرف «فاء» شروع می‌شود می‌فرماید خدای متعال که پروردگار جهان و جهانیان است به اطاعت سزاوارتر از دیگران است بنابراین باید حکمی را که خداوند تشریح فرموده (خوردن از گوشت حیوانی که نام خدا بر آن برده شده) اطاعت کرد. (طباطبائی، ج ۷، ص: ۳۲۷) گفتار مفسرین در خصوص حرف «فاء» در ابتدای این آیه نیز مؤید این مطلب است؛ چه اینکه برخی گفته‌اند «فاء» در ابتدای این آیه عطف به ماقبل است؛ مانند اینکه گفته باشد: «کونوا علی الهدی فکلوا مما ذکر اسم الله علیه». (طوسی، ج ۴، ص: ۲۵۱)

۸-۳-۴- آیه ۱۴۱

از دیدگاه نولدکه ارتباط معنایی بعد از آیه ۱۴۰ با آیات پیشین از بین رفته است؛ اما این مورد نیز مانند موارد پیشین مورد پذیرش نیست. وجه ارتباط آیه ۱۴۱؛ «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ...» با آیات قبل این است که در آیات پیشین از کسانی سخن گفته است که آنچه خداوند روزی‌شان کرده است را با افترا زدن به خداوند حرام شمردند و در این آیه با رزقی که می‌توانند در آن تصرف نمایند بر آن‌ها منت گذاشته است. (اندلسی، ج ۴، ص: ۶۶۶) همچنین در مورد ارتباط آیه ۱۴۱ با آیات قبل گفته شده است که این آیه در حقیقت بیان این مطلب است که خداوند خالق همه چیزهاست و نباید بدون دستور او چیزی را حلال یا حرام شمرد درحالی‌که آیات قبل بیان حال مشرکین است که بعضی از چیزها را برای بت‌ها قرار می‌دادند؛ «وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ...» (طبرسی، ج ۴، ص: ۵۷۶) با این بیان وجه ارتباط بین آیه ۱۴۱ با آیات قبل روشن می‌گردد؛ بنابراین آنچه نولدکه در خصوص عدم ارتباط میان آیات سوره انعام مطرح نموده است خلاف واقع بوده و مخالف سیاق سوره است.

جمع‌بندی

واکاوی انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام؛ حسینی‌زاده و میرزینلی | ۲۳

در خصوص دیدگاه نزول دفعی و تدریجی سوره انعام با توجه به شواهد موجود اختلاف نظر وجود دارد که در این پژوهش به تفصیل به ارزیابی و جمع‌بندی آن پرداخته شد که نتایج ذیل حاصل این پژوهش است.

۱- ادله روایی ناظر بر نزول دفعی سوره از صحت سند و متن برخوردارند.

۲- غرض اصلی سوره مبارکه انعام بر محور توحید است و از دیدگاه بسیاری از مفسران فریقین دارای انسجام و وحدت درونی است.

۳- روایات مستثنیات و روایات سبب نزول که از نزول تدریجی سوره حکایت دارند از منظر سند و متن دچار نقصان می‌باشند.

۴- ادله روایی ناظر بر نزول تدریجی سوره مبارکه انعام و روایاتشان نزول دچار ضعف سندی و دلالتی هستند.

۵- انسجام سوره بر مبنای قاعده وحدت سیاق متعین است؛ بنابراین دیدگاه خاورشناس نولدکه در خصوص عدم انسجام سوره انعام مورد پذیرش نیست و در فرازهای مورد ادعای وی، وحدت معنا به هم نخورده است.

ORCID

Abdul Rasul Hosseinizadeh



<http://orcid.org/0000-0002-7015-7623>

Seyyed Fadlullah Mirzinli



<http://orcid.org/0000-0001-5322-6436>

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (١٤١٩ ق). تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن جماعه، محمد بن إبراهیم. (١٤٠٦ ق). المنهل الروی فی مختصر علوم الحدیث النبوی، دمشق، دار الفکر.
- ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمن. (١٤٢٢ ق). نواسخ القرآن، بیروت، شرکت ابناء شریف الانصاری.
- ابن عاشور، محمد الطاهر. (١٩٩٧ م). التحریر والتنویر، تونس، دار سحنون للنشر والتوزیع.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (١٤١٩ ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- اندلسی، ابو حیان، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، ١٤٢٠ ق.
- آلوسی، سید محمود. (١٤١٥ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بابایی، علی اکبر. (١٣٨٥ ش). روش شناسی تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بغوی، حسین بن مسعود. (١٤٢٠ ق). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- بقاعی، برهان الدین. (١٤١٥ ق). نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (١٤١٨ ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، ابو اسحاق. (١٤٢٢ ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. (١٣٩٠ ش). تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء
- حاکم نیشابوری. (١٤١١ ق). مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حوی، سعید. (١٤٠٥ ق). الاساس فی التفسیر، بیروت، دارالسلام للطباعه و النشر و التوزیع و الترجمة.
- خامه گر، محمد. (١٣٨٦ ش). ساختار هندسی سوره های قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- خویی، ابوالقاسم. (بی تا). البیان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه احیاء آثار آیت الله خویی.
- ذهبی، شمس الدین. (١٤١٣ ق). سیر أعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (١٤١٢ ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.
- رجبی، محمود. (١٣٨٣ ش). روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

واکاوی انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام؛ حسینی‌زاده و میرزینلی | ۲۵

رشید رضا، محمد. (۱۹۹۰ م). *تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)*، مصر، هیئة المصریة العامة للکتاب.

زرکشی، محمد بن عبد الله. (۱۴۱۰ ق). *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفة.

زرکلی، خیر الدین. (۲۰۰۲ م). *الأعلام*، بیروت، دار العلم للملایین.

زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی.

سید بن قطب. (۱۴۱۲ ق). *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.

سیوطی، جلال الدین. (بی تا). *تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی*، ریاض، مکتبة الرياض الحديثة.

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱ ق). *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربی.

شمخی، مینا. (۱۳۹۴ ش). «بررسی آیات استثنایی سوره‌های انعام و اسراء»، حسنا، بهار، شماره ۲۴.

طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۵۳ ش). *قرآن در اسلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.

طبرانی سلیمان بن أحمد. (۱۴۰۵ ق). *المعجم الصغیر*، بیروت، المکتب الاسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

عزه دروزه، محمد. (۱۳۸۳ ش). *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ ش). *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمية.

غفاری، علی اکبر. (۱۳۶۹ ش). *دراسات فی علم الدراییه*، تهران، تابش.

فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). *تفسیر مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فقهی زاده، عبد الهادی. (۱۳۷۴ ش). *پژوهشی در نظم قرآن*، تهران، جهاد دانشگاهی.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ ش). *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش). *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *اصول کافی*، به کوشش علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۵ق). *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- نولدکه، تئودور. (۲۰۰۴م). *تاریخ قرآن*، بیروت، دار نشر جورج المزم.
- نیل ساز، نصرت. (۱۳۹۸). *رویکرد خاورشناسان به مسئله انسجام قرآن کریم؛ سیر تحول تاریخی*، ویژگی‌ها و زمینه‌ها، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۱، صص ۱۹۰-۱۶۱.
- واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۱ق). *اسباب نزول القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

References

The Holy Quran

- Andalasi, Abu Hayyan. (1999). *Al-Bahr al-Massin fi al-Tafsir*, Beirut, Dar al-Fakr. [in Arabic]
- Alousi, Seyyed Mahmoud. (1994). *The spirit of al-Ma'ani in Tafsir al-Qur'an al-Azeem*, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiyyah. [in Arabic]
- Azza Droze, Mohammad. (2004). *Al-Tafsir Al-Hadith*, Cairo, Dar Ihyaya Kitub al-Arabiyyah. [in Arabic]
- Ayashi, Mohammad Bin Massoud. (2001). *Tafsir Al-Ayyashi*, Tehran, Al-Mattaba Al-Elamiya.
- Babaei, Ali Akbar. (2006). *Methodology of Qur'an Interpretation*, Qom, Hoza Research Institute and University.
- Baghvi, Hossein bin Masoud. (1999). *Maalam al-Tanzir in Tafsir al-Qur'an*, Beirut, Darahiya al-Tratah al-Arabi. [in Arabic]
- Beqaei, Burhanuddin. (1994). *Al-Darr's order in the fit of the verses of Walsur*, Beirut, Dar al-Kitab Al-Elamiya. [in Arabic]
- Baidawi, Abdullah bin Omar. (1997). *Anwar al-Tanzir and Asrar al-Taawil*, Beirut, Dar Ahyaya al-Trath al-Arabi. [in Arabic]
- Dhahabi, Shamsuddin. (1992). *Sir Alam Al-Nabila*, Beirut, Al-Rasalah Foundation. [in Arabic]
- Fakhruddin Razi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar. (1420 AH). *Tafsir al-Mawafit al-Gheeb*, Beirut, Dar Ahyaya al-Trath al-Arabi. [in Arabic]
- Faqhizadeh, Abdul Hadi. (1995). *A research on the order of the Qur'an*, Tehran, University Jihad.
- Ghaffari, Ali Akbar. (1990). *Studies in Al-Daraya*, Tehran, Tabash.
- Hakem, Nishaburi. (1990). *Based on Ali Al-Sahhein*, Beirut, Dar al-Ketab al-Elamiya. [in Arabic]

- Hawi, Saeed. (1984). *Al-Asas fi al-Tafseer*, Beirut, Dar al-Salaam for printing and al-Nashro al-Tawzi'ah and al-Tarjamah. [in Arabic]
- Ibn Abi Hatim, Abd al-Rahman bin Muhammad. (1998). *Tafsir al-Qur'an al-Azeem*, Saudi Arabia, Nizar Mustafa Al-Baz Library. [in Arabic]
- Ibn Jama'ah, Muhammad Ibn Ibrahim. (1985). *Al-Manhal al-Ravi in a summary of the sciences of hadith al-Nabawi*, Damascus, Dar al-Fakr.
- Ibn Jozi, Abu Al Faraj Abdul Rahman. (2001). *Reprints of the Qur'an*, Beirut, Ibna Sharif Al-Ansari Company. [in Arabic]
- Ibn Ashour, Muhammad al-Tahir. (1997). *Al-Tahrir and Tanweer*, Tunis, Dar Sahnoun Publishing and Distribution.
- Ibn Kathir Damascus, Ismail Ibn Amr. (1998). *Tafsir al-Qur'an al-Azeem*, Beirut, Dar al-Kitab al-Elamiya. [in Arabic]
- Javadi Amoli, Abdullah. (2010). *Tasnim*, Qom, Isra Publishing Center
- Khamegar, Mohammad. (2007). *The geometrical structure of the surahs of the Quran*, Tehran, Islamic Propaganda Organization.
- Khoi, Abulqasem. (Beta). *Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom, Ayatollah Khoei Institute for Revival of Works.
- Klini, Mohammad bin Yaqoob. (1986). *Usul Kafi, by the efforts of Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi*, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Marefat, Mohammad Hadi. (1994). *Al-Tamahid fi Ulum al-Qur'an*, Qom, Al-Nashar al-Islami Foundation.
- Noldeke, Theodore. (2004). *History of the Qur'an*, Beirut, George Alams Publishing House. [in Arabic]
- Neil Saz, Nusrat. (2018). The approach of orientalist to the problem of the coherence of the Holy Quran; The course of historical evolution, characteristics and contexts, *Researches of Qur'an and Hadith Sciences*, vol. 1, pp. 161-190.
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad. (1985). *Al-Jaami Lahakm al-Qur'an*, Tehran, Nasser Khosrow Publishing House.
- Qomi, Ali bin Ibrahim (1988). *Tafsir al-Qami*, Qom, Dar al-Kitab.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1991). *Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an*, Beirut, Dar al-Alam. [in Arabic]
- Rajabi, Mahmoud. (2004). *Method of Qur'an Interpretation*, Qom, Hozah Research College and University.
- Rashid Reza, Mohammad. (1990). *Tafsir al-Qur'an al-Hakim* (Tafsir al-Manar), Egypt, Al-Masriy al-Masri al-Katab. [in Arabic]
- Sayyid bin Qutb. (1991). *In the shadows of the Qur'an*, Beirut, Dar al-Shoroq. [in Arabic]
- Siyuti, Jalaluddin. (Beta). *Al-Ravi's training in the description of Al-Nawawi's approximation*, Riyadh, Al-Riyadh Modern School.
- Siyuti, Jalaluddin. (1983). *Al-Dar al-Manthur in Tafsir al-Mathur*, Qom, Ayatollah Murashi Najafi Library.

- Siyuti, Jalaluddin. (2000). *Al-Itqan in the sciences of the Qur'an*, Beirut, Dar Al-Kitab al-Arabi. [in Arabic]
- Shamkhi, Mina. (2014). "Examination of the exceptional verses of Surahs Anam and Isra", Hasna, Spring, No. 24.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. (1934). *Quran in Islam*, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiya.
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hossein. (1996). *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*, Qom, Islamic Publications Office of the Seminary Teachers' Society.
- Tabrani Suleiman bin Ahmed. (1984). *Al-Mu'jam al-Saghir*, Beirut, Al-Mahab Al-Islami. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1993). *Majam al-Bayan in Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Nasser Khosrow Publications.
- Tabari, Muhammad bin Jarir. (1991). *Jame al-Bayan in Tafsir al-Qur'an*, Beirut, Dar al-Marafa. [in Arabic]
- Tousi, Muhammad bin Hassan (Beta). *Al-Tabyan in Tafsir al-Qur'an*, Beirut, Dar Ahyaya al-Trath al-Arabi. [in Arabic]
- Thaalabi, Abu Ishaq. (2001). *Al-Saqat and Bayan on Tafsir al-Qur'an*, Beirut, Dar Ihiya al-Trath al-Arabi. [in Arabic]
- Vahidi, Ali bin Ahmad. (1990). *The means of revelation of the Qur'an*, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamieh. [in Arabic]
- Zarakshi, Muhammad bin Abdullah. (1989). *Al-Barhan in the sciences of the Qur'an*, Beirut, Dar Al-Marafah. [in Arabic]
- Zarkali, Khairuddin. (2002). *Al-Alam*, Beirut, Dar Al-Alam for millions. [in Arabic]
- Zamakhshari, Mahmoud. (1986). *Al-Kashf on the facts of Ghawamaz al-Tanzir*, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi. [in Arabic]

استناد به این مقاله: حسینی زاده، عبدالرسول، میرزینلی، سید فضل الله. (۱۳۹۹). واکاوی انگاره‌های نزول دفعی و تدریجی سوره مبارکه انعام، فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۱(۴۱)، ۱-۲۸.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.65278.1786



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.